

اجرای قرارهای منع دعوی: مطالعه تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا، فرانسه و ایران

محمد مجد کابری^۱، اعظم انصاری^{۲*}، عبدالله خدابخش^۳، رضا معبودی نیشابوری^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. استادیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۴. استادیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

چکیده

دادگاه‌های کشورهای کامن‌لویی برای مقابله با دادرسی موازی، قرار منع دعوا صادر می‌کنند. بر اساس چنین قرار، یکی از طرفین اختلاف، از اقامه یا پیگیری دعوی خود در دادگاه کشور دیگری منع می‌شود. کشورهای رومی ژرمنی معتقدند اجرای چنین قرار در فرآیند دادرسی در کشورهاشان مداخله و حاکمیت ملی آن‌ها را نقض می‌نماید. هدف این نوشتار بررسی رویکرد نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا، فرانسه و ایران در مواجهه با درخواست اجرای قرار منع دعواست. مقاله نشان می‌دهد مطابق حقوق اتحادیه اروپا، قرار منع صادره از کشور غیر عضو اتحادیه، در کشور عضو اتحادیه قابل اجراست؛ مشروط به اینکه چنین قرار مطابق حقوق ملی کشور عضو اتحادیه لازم‌الاجرا باشد و همچنین دادگاه کشور عضو، بر اساس مقررات اتحادیه اروپا صلاحیت رسیدگی به دعوی را نداشته باشد. حقوق فرانسه، اصولاً قرارهای منع دعوی را لازم‌الاجرا نمی‌داند. البته چنانچه طرفین طبق توافق، صلاحیت رسیدگی را به دادگاه خارجی اعطا کنند، دادگاه‌های فرانسه قرارهای منع دعوی را اجرا و رسیدگی به دعوا را به نفع دادگاه خارجی منتخب طرفین، رد می‌نمایند. در مواردی که موضوع، در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های فرانسه باشد، دادگاه‌های فرانسه ممکن است با صدور قرار منع قرار منع دعوی، برای مقابله با قرار منع دعوی صادره از



دادگاه خارجی، واکنش نشان دهند. در حقوق ایران قرار منع دعوای صادره از محاکم خارجی، مشمول حکم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نمی‌باشد. بنابراین، در حال حاضر راهکاری برای اجرای آن توسط دادگاه‌های ایرانی نیست. با این حال، مقاله مدعی است با توجه به مزایای اجرای قرار مزبور، فقدان راهکار مصرح قانونی، نباید مانع از اجرای آن باشد.

واژگان کلیدی: دادرسی موازی، شرط انحصاری صلاحیت، صلاحیت انحصاری، قرار منع قرار منع دعوی، کشورهای رومی-ژرمنی.

۱. مقدمه

قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، قواعدی یک‌جانبه هستند. بدین معنا که قانون‌گذار هر کشوری، تنها به موارد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود توجه دارد و این قواعد اصولاً بدون هماهنگی بین نظام‌های حقوقی وضع می‌شوند.^۱ همچنین قواعد صلاحیت بر ضوابط گوناگونی همچون تابعیت، اقامتگاه خوانده، محل انعقاد قرارداد یا محل اجرای قرارداد مبتنی است؛ در نتیجه برای رسیدگی به یک اختلاف، ممکن است دادگاه‌های بیش از یک کشور صلاحیت رسیدگی داشته باشند. برای مثال، ممکن است قراردادی میان طرفین در کشور «الف» منعقد شود اما محل اجرای قرارداد، کشور «ب» باشد. بنابراین محتمل است که دادگاه‌های هر دو کشور «الف» و «ب» در خصوص دعوای مرتبط با این قرارداد، خود را صالح دانسته و به دعوا رسیدگی نمایند. از آنجاکه انتخاب دادگاه، بر تعیین قانون حاکم و نتیجه نهایی دعوی تأثیر می‌گذارد، طبیعی است که طرفین اختلاف به دنبال رسیدگی در دادگاهی باشند که منافع آن‌ها را بیشتر تأمین کند.

اگر طرفین یک اختلاف، در خصوص دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا، اتفاق نظر داشته باشند؛ مشکلی به وجود نمی‌آید. مشکل زمانی رخ می‌دهد که هر یک از طرفین، دعوا را در دادگاهی متفاوت از دیگری اقامه می‌کند. این امر منجر به دادرسی موازی

۱. مگر اینکه موافقتنامه همکاری قضایی دوجانبه یا چندجانبه وجود داشته باشد و موارد صلاحیت دادگاه‌های کشورهای عضو را تعیین نماید.



می‌شود که طولانی شدن حل اختلاف، اتلاف منابع مالی و وقت دادگاه‌های دو کشور و همچنین اصحاب دعوا از نتایج آن است. همچنین دادرسی موازی منجر به صدور آرای متعارض در خصوص همان دعوا یا دعاوی مرتبط می‌شود و در نتیجه هیچ‌کدام از طرفین نمی‌تواند رأی صادره را در کشور مقابل اجرا کند. در کامن‌لو یکی از راهکارهای مقابله با چنین پدیده‌ای، صدور قرار منع دعوی است.

قرار منع دعوی، ضمانت اجرایی است که در حقوق انگلستان پایه‌گذاری شده (Stacher, 2005: 4) و در دیگر کشورهای کامن‌لو همانند استرالیا^۱ و ایالات متحده آمریکا^۲ مورد استفاده قرار گرفته است. قرار منع دعوی، دستوری است که از دادگاه یک کشور صادر می‌شود و هدف آن منع یکی از طرفین اختلاف از اقامه دعوای موازی یا پیگیری آن در دادگاه خارجی است (Fisher, 2010:2; George, 2002:536; Ojiegbe, 2015:268). برای مثال، ممکن است دعوایی در دادگاه یک کشور کامن‌لو اقامه شود، اما خوانده این دعوا به هر دلیلی در دادگاه کشوری دیگر، اقامه دعوی کند. در این موارد و با تحقق شرایط معینی، دادگاه کشور کامن‌لو ممکن است قرار منع دعوی صادر کند تا خوانده دعوا را از اقامه دعوا در دادگاه خارجی منع کند یا اگر سابقاً آن را اقامه کرده است او را از پیگیری آن منع نماید.

در حقوق انگلستان، طبق قانون، دادگاه‌ها توانایی صدور قرار منع دعوی دارند؛^۳ اما صدور قرار، مبتنی بر صلاحدید دادگاه است و در موردی که تحقق عدالت مستلزم صدور چنین قرار باشد از این صلاحدید استفاده می‌شود (Ambrose, 2008: 404). در انگلستان دادگاه‌ها به‌طور کلی در دو مورد قرار منع دعوی صادر می‌کنند: ۱. در صورتی که که دادگاه انگلستان، دادگاه منتخب طرفین دعوا نبوده اما طبق قواعد صلاحیتی خود، دادگاه صالح به رسیدگی باشد و دادرسی خارجی را ظالمانه و

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک.

Dickinson et al, 2014.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک.

Contreras and Michael, 2017:1-9.

۳. بند ۱ ماده ۳۷ قانون دیوان عالی انگلستان مصوب ۱۹۸۱

Supreme Court Act 1981

آزاردهنده بداند. ۲. در موردی که دادگاه انگلستان دادگاه منتخب طرفین بوده و اقامه دعوای خارجی، شرط انتخاب دادگاه انگلستان را نقض نماید.

در خصوص مورد اول دادگاه‌های انگلستان قرار منع دعوی را با احتیاط صادر می‌کنند. در این مورد، قرار منع دعوی صادر نمی‌شود؛ مگر اینکه دادگاه انگلستان قانع شود که ادامه دادرسی خارجی، ظالمانه است و این معمولاً مستلزم این است که دادگاه انگلستان علاوه بر اینکه خود را دادگاهی صالح برای حل اختلاف بداند، به این باور دست یابد که ادامه دادرسی خارجی باعث بی‌عدالتی نسبت به خوانده دعوای خارجی خواهد شد و منع دادرسی خارجی، خواهان دعوای خارجی را از یک منفعت مشروع محروم نخواهد کرد (Wilson, 2003: 214).

دادگاه‌های انگلستان در خصوص مورد دوم رویکرد متفاوتی دارند. در این مورد، یکی از طرفین دعوا با نقض شرط قراردادی صریحی که دادگاه انگلستان را مرجع انحصاری حل اختلاف می‌داند، دعوا را در دادگاه دیگری اقامه کرده است. در این‌گونه موارد دادگاه‌های انگلستان با سختگیری کمتری قرار منع دعوی صادر می‌کنند؛ مگر اینکه طرفی که در دادگاه خارجی اقامه دعوی کرده است دلیل موجه یا محکمی برای توجیه عدم پایبندی خود به توافق صلاحیت ارائه کند. برای مثال، در دعوایی در انگلستان،^۱ دادگاه مقرر داشت: وقتی در قرارداد تصریح شده که در تمامی اختلافات بین طرفین باید به دادگاه‌های انگلستان رجوع شود، دادگاه انگلستان معمولاً صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات قراردادی طرفین را دارد و می‌تواند طرفی را که با نقض توافق بر صلاحیت دادگاه انگلستان، دعوایی در دادگاه خارجی اقامه یا پیگیری می‌کند، از این امر بازدارد. طرفین یک شرط انحصاری صلاحیت، باید به تعهد خود پایبند باشند. در صورت وجود شرط انحصاری صلاحیت، علی‌الظاهر ظالمانه و آزاردهنده است که دعوا در دادگاهی غیر از دادگاه منتخب اقامه شود. دادگاه منتخب با صدور قرار منع دعوا به چنین شرطی اثر می‌دهد؛ مگر اینکه نقض‌کننده توافق صلاحیت، با دلایلی قوی دادگاه را در خصوص عدم صدور چنین قراری قانع نماید (Ibid: 215).

۱. Soc'y of Lloyd's v. Peter Everett White (No. 2) [2002] ILPr 11, 104.



بعد از صدور قرار منع دعوی، ذینفع قرار به دنبال اجرای آن در دادگاه خارجی خواهد بود. پذیرش اجرای قرار منع دعوی در دادگاه خارجی، به معنی توقیف رسیدگی به اختلاف یا رد دعوی به نفع دادگاه صادرکننده قرار منع است. در مقابل، عدم پذیرش اجرای قرار منع به این معناست که دادگاه خارجی می‌خواهد بدون توجه به دعوای موازی و عواقب نامطلوب آن، به رسیدگی خود ادامه دهد. در هر حال، مخاطب قرار منع دعوی (خواهان دعوای خارجی) که قرار را نادیده می‌گیرد و دعوای منع شده را در دادگاه خارجی اقامه یا آن را پیگیری می‌کند با مجازاتی در کشور دادگاه صادرکننده قرار روبه‌رو خواهد شد.^۱

قرار منع دعوی ابزاری بسیار مؤثر در جلوگیری از دعوای موازی به شمار می‌آید. بخصوص اگر مخاطب قرار، فعالیت تجاری یا اموالی در قلمرو کشور صادرکننده قرار داشته باشد؛ یا تصمیم داشته باشد در آینده در آن کشور فعالیت تجاری داشته باشد (Dowers, 2013: 960-961).

قرار منع دعوی موضوعی قابل مناقشه است؛ زیرا در امر دادرسی توسط دادگاه‌های سایر کشورها مداخله می‌کند و ضمانت‌نامه مشابه آن در حقوق رومی ژرمنی وجود ندارد (Ambrose, op.cit: 401). از این رو، کشورهای رومی ژرمنی این ضمانت اجرا را تجاوز به حاکمیت کشور دیگر و تعرض به حقوق بین‌المللی می‌دانند. علاوه بر این، صدور قرارهای منع دعوی، به‌روشنی به اصل نزاکت بین‌المللی تجاوز می‌کند (Dowers, op.cit: 962). البته در پاسخ به چنین ایراداتی، مجلس اعیان در پرونده «ترنر و گروویت»^۲ بیان داشت که مخاطب قرار منع دعوی که توسط دادگاه‌های انگلستان صادر می‌شود، خواهان دعوای اقامه شده در دادگاه خارجی و نه خود دادگاه خارجی است (Ibid: 961). در هر حال، اگرچه از لحاظ فنی درست است که این قرار علیه طرف دعوی و نه علیه دادگاه خارجی صادر می‌شود؛ اما تأثیر عملی بر کنترل دادگاه در رسیدگی به دعوا دارد (Briggs, 2015: 545). به عبارت دیگر، گرچه

۱. برای مطالعه درباره ضمانت اجرای عدم متابعت از قرار منع اقامه دعوا رک: سربازیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۰۴-۴۰۷.

۲. Turner v Grovit [2001] UKHL 65, [2002] 1 WLR 107, para 23, Lord Hobhouse.

مخاطب قرار منع دعوا، طرف دعواست، اما چنین قراری صلاحیت دادگاه خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دادگاهی که با صدور قرار منع دعوی، مانع اقامه یا پیگیری دعوی خارجی می‌شود، به‌طور مؤثری صلاحیت دادگاه خارجی را انکار می‌کند و چنین قراری، بر حاکمیت [قضایی] دولتی دیگر اثر می‌گذارد. در نتیجه، دادگاه خارجی، قرار منع دعوی را دخالت در صلاحیت خود می‌داند و به همین دلیل به سختی آن را اجرا می‌کند (Stacher, op.cit: 12). از سوی دیگر صلاحیت قضایی که در خصوص صدور قرار منع دعوی اعمال می‌شود، در نظام حقوقی رومی ژرمنی وجود ندارد. ساختار نظام رومی ژرمنی بر مجموعه‌ای از قوانین استوار است و صلاحیت قضایی در آن چندان مورد اعتنا نیست و انعطاف‌پذیری کامن لویی در آن مشاهده نمی‌شود (Wilson, op.cit: 219). از این رو، برخلاف کشورهای کامن لویی، اکثر کشورهای رومی ژرمنی به قرارهای منع دعوی با تردید می‌نگرند (Tang, 2014: 167).

هدف پژوهش حاضر، بررسی رویکرد حقوق اتحادیه اروپا، فرانسه و ایران در مواجهه با درخواست صدور قرار منع دعوی صادره از دادگاه‌های کشورهای کامن لویی است. به عبارت روشن‌تر هدف این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا دادگاه‌های سه نظام حقوقی مذکور قرار منع دعوی صادره از یک دادگاه خارجی را اجرا و در نتیجه از صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوا به نفع دادگاه صادرکننده قرار عدول می‌کنند؟ یا خیر؟ اتحادیه اروپا نظام حقوقی توسعه‌یافته‌ای است که همگام با تحولات جهانی پیش می‌رود و تعداد قابل‌توجهی از کشورها تحت تأثیر این نظام حقوقی هستند. فرانسه سردمدار نظام‌های حقوقی خانواده رومی ژرمنی است و همواره مورد توجه حقوقدانان دنیا بوده است. بدیهی است که چون این مطالعه در ایران صورت گرفته، نظام حقوقی ایران نیز در این مقایسه مدنظر قرار گرفته است. از این رو بخش اول مقاله، به بررسی رویکرد حقوق اتحادیه اروپا در مواجهه با قرار منع صادره از دادگاه‌های کشورهای دیگر اختصاص دارد. بخش دوم مقاله، موضع نظام حقوقی فرانسه در خصوص اجرای قرار منع دعوی صادره از دیگر کشورها را



واکاوی می‌نماید و بخش نهایی نیز به رویکرد نظام حقوقی ایران، اختصاص دارد. در پایان نیز نتیجه‌ای از مطالب مطرح‌شده در مقاله ارائه می‌شود.

۲. اجرای قرار منع دعوی در حقوق اتحادیه اروپا

در حقوق اتحادیه اروپا، مقرر بر واکسل یک جدید، راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی و تجاری^۱ که در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ تصویب شد و از ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵ در تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا لازم‌الاجرا شده، حکمی در خصوص قراردادهای منع دعوی ندارد. با این حال طبق رأی صادره از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده ترنر و گروویت برای حمایت از «اصل اعتماد متقابل»^۲، دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا نمی‌توانند علیه طرف دعوی، در دادگاه یک کشور عضو دیگر، قرار منع دعوی صادر کنند (Dowers, op.cit: 967). از این رو، می‌توان گفت تنها وقتی مسئله اجرای قرار منع دعوی، در اتحادیه اروپا مطرح می‌شود که قرار منع دعوی از دادگاه یک کشور ثالث، علیه طرف دعوی در دادگاه یک کشور عضو اتحادیه اروپا، صادر شده باشد. حال سؤال این است که در فرض اقامه دعاوی موازی در دادگاه یک کشور عضو اتحادیه و دادگاه یک کشور ثالث، همانند استرالیا، اگر بنا به درخواست خواهان، دادگاه استرالیایی قرار منع دعوا علیه خواهان در دادگاه کشور عضو اتحادیه صادر کند؛ آیا چنین قراری در کشور عضو اتحادیه اروپا اجرا خواهد شد؟ به عبارت دیگر، آیا بر مبنای این قرار، دادگاه کشور عضو اتحادیه از صلاحیت رسیدگی به دعوی، به نفع دادگاه صادرکننده قرار منع (دادگاه استرالیا)، عدول خواهد کرد؟ در پاسخ باید بین دو مورد تفکیک نمود:

۱. The Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (Brussels I Recast).

۲. The principle of mutual trust

۲-۱. دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا طبق قانون ملی خود، صلاحیت رسیدگی به اختلاف دارد

اگر دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا، طبق قانون ملی خود، صلاحیت رسیدگی به اختلاف دارد؛ در این صورت قانون ملی دادگاه، بر اجرای قرار منع دعوی، حاکم است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا که تابع خانواده رومی ژرمنی هستند اصولاً از اجرای چنین قراری خودداری می‌کنند. اما کشورهای خانواده کامن‌لو اصولاً چنین قراری را قابل اجرا می‌دانند (Tang, op.cit: 195).

۲-۲. دادگاه کشور عضو اتحادیه، طبق مقررات اتحادیه اروپا، صلاحیت رسیدگی به اختلاف دارد

تصور کنید اختلافی بین یک شرکت استرالیایی و شرکت سوئدی به وجود آمده است. شرکت سوئدی، علیه شرکت استرالیایی، در استرالیا اقامه دعوی نموده است. در مقابل شرکت استرالیایی علیه شرکت سوئدی در سوئد اقامه دعوی کرده است. از آنجاکه خوانده دعوی دوم (شرکت سوئدی)، در سوئد است؛ در این صورت دادگاه سوئد به عنوان دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا، طبق مقرره بروکسل یک جدید، صلاحیت رسیدگی به اختلاف دارد.^۱ حال اگر شرکت سوئدی از دادگاه استرالیایی خواستار صدور قرار منع دعوی شود تا شرکت استرالیایی را از پیگیری دعوی در دادگاه سوئد منع کند، بر فرض صدور قرار توسط دادگاه استرالیایی، آیا چنین قراری در دادگاه سوئد قابل اجرا است؟

اجرای قرار منع دعوی یا هر رأی صادره از کشور ثالث، کاملاً تابع حقوق ملی کشوری است که از آن درخواست شناسایی و اجرای رأی شده است و مقررات اتحادیه اروپا در این خصوص حاکم نیست.^۲

۱. بند ۱ ماده ۴ مقرره بروکسل یک جدید ۱۲/۲۰۱۵.

۲. طبق بند ۱ ماده ۳۶ و ماده ۳۹ مقرره بروکسل یک جدید ۱۲/۲۰۱۵ آرای قابل شناسایی و اجرا آرای است که در یک کشور عضو صادر می‌شود و در یک کشور عضو دیگر می‌خواهد شناسایی و اجرا گردد.



حقوق ملی کشورهای عضو اتحادیه اروپا معیارهای متفاوتی در خصوص اجرای رأی صادره از دادگاه یک کشور ثالث برگزیده‌اند اما در میان همه این معیارها یک معیار مشترک است: اگر اجرای رأی خارجی برخلاف نظم عمومی کشور درخواست شونده باشد، شناسایی و اجرا نخواهد شد. توضیح بیشتر اینکه اگر نتیجه اجرای قرار منع دعوی این باشد که دادگاه کشور عضو -که طبق مقرره بروکسل صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارد- از این صلاحیت عدول کند، چنین قراری در کشور عضو قابل اجرا نخواهد بود. زیرا عدول دادگاه کشور عضو اتحادیه از صلاحیت رسیدگی به دعوا، در حالی که چنین صلاحیتی بر اساس مقرره اتحادیه اروپا برایش ایجاد شده، مخالف نظم عمومی محسوب می‌شود. پس مادام که مقررات اتحادیه اروپا، مبنای صلاحیت دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا باشد، دادگاه مزبور نمی‌تواند قرار منع دعوی را اجرا کند (Ibid: 196).

در نتیجه می‌توان گفت طبق حقوق اتحادیه اروپا، قرار منع دعوی صادره از دادگاه یک کشور ثالث علیه طرف دعوا در یک کشور عضو اتحادیه، وقتی قابل اجرا است که دادگاه کشور عضو درخواست شونده، طبق حقوق ملی خود، اجرای آن را مجاز بداند و مطابق قواعد حقوق ملی خود -و نه مقررات اتحادیه اروپا- صالح به رسیدگی باشد.

۳. اجرای قرار منع دعوی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، قوانین موضوعه درباره امکان اجرای قرارهای منع دعوی صادره از دادگاه‌های خارجی در فرانسه حکمی ندارند. از آنجاکه فرانسه عضو اتحادیه اروپا است، احکامی که در مطلب پیشین راجع به حقوق اتحادیه اروپا گفته شد، در مورد حقوق فرانسه به‌عنوان کشور عضو این اتحادیه نیز صدق می‌کند. اما آنچه که در ادامه بررسی می‌شود، اجرای قرار منع دعوی، طبق حقوق ملی فرانسه است. شایان‌ذکر است که در موارد متعددی مسئله‌ی امکان اجرای قرارهای خارجی منع دعوی در فرانسه، مطرح شده و دادگاه‌های فرانسه در این خصوص اظهارنظر کرده‌اند.

برای نمونه، در سال ۲۰۰۴، در دعوایی،^۱ در خصوص اجرای قرار خارجی منع دعوی در فرانسه، دیوان عالی فرانسه بیان داشت که قرارهای منع دعوی را نمی‌توان در فرانسه اجرا کرد. زیرا این قرارها ناقض حاکمیت فرانسه و در تعارض بانظم عمومی فرانسه هستند. با این حال برخی معتقدند در مواردی که قرار منع، در راستای اجرای شرط انحصاری صلاحیت، صادر می‌گردد؛ انعطاف‌پذیری ممکن است (Ibid: 167). برای مثال، در سال ۲۰۰۹ در پرونده دیگری،^۲ موضوع اختلاف راجع به قرارداد توزیع بین یک شرکت فرانسوی و یک شرکت آمریکایی بود. قرارداد مزبور حاوی شرط انتخاب قانون و شرط انتخاب دادگاه بود که به ترتیب بر قانون ایالت جورجیا، به عنوان قانون حاکم بر قرارداد و دادگاه‌های ایالت جورجیا، به عنوان دادگاه صالح به رسیدگی به دعوا تصریح می‌کرد (Saussine, 2010: 523). با اعلام فسخ قرارداد توسط شرکت آمریکایی، شرکت فرانسوی، در دادگاه بدوی تجاری فرانسه، دعوایی اقامه کرد. خوانده آمریکایی به صلاحیت دادگاه فرانسوی ایراد کرد و طبق توافق انتخاب دادگاه، دعوای خود را در دادگاه ایالت جورجیا اقامه نمود. دادگاه آمریکایی قرار منع دعوایی صادر نمود که شرکت فرانسوی را ملزم می‌کرد که دعوای خود را در فرانسه پیگیری نکند. متعاقباً، شرکت آمریکایی از دادگاه فرانسوی خواست که قرار منع دعوی را اجرا کند. در مقابل، شرکت فرانسوی با این ادعا که قرار منع دعوی، حاکمیت فرانسه و حق وی برای بهره‌مندی از دادرسی منصفانه، طبق ماده شش «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۳ را نقض می‌کند از دادگاه فرانسه تقاضا نمود که قرار منع دعوی را اجرا نکند. دیوان عالی فرانسه درخواست طرف فرانسوی را رد کرد. در توجیه این اقدام، دیوان عالی بیان نمود که طرف آمریکایی با هدف تقلب در دادگاه آمریکایی اقامه دعوی ننموده است. علاوه بر این، شرکت آمریکایی و شرکت فرانسوی در قرارداد خود، بر صلاحیت دادگاه مزبور (دادگاه ایالت جورجیا) توافق نموده‌اند. همچنین اجرای قرار منع دعوی، نقض ماده شش

۱. Stoltzenberg, Cass 1ere civ. 30 June 2004, Rev crit DIP (2004) 815, the Court of Cassation.

۲. Zone Brands International v In Zone Brands Europe, 14 October 2009, n 08-16369, the Court of Cassation.

۳. European Convention on Human Rights (1950).



کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب نمی‌شود. زیرا دادگاه آمریکایی بر اساس توافق انتخاب دادگاه، صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوا را احراز نموده و هدفش از صدور قرار منع دعوی این بوده که توافق انتخاب دادگاه را اجرا کند. مهم‌تر اینکه چنانچه اجرای قرارهای منع دعوی، تنها با هدف اجرای تعهدات قراردادی (توافق‌های انتخاب دادگاه یا داوری) بوده و صلاحیت دادگاه‌های فرانسه در رسیدگی به دعوای مزبور مبتنی بر معاهدات یا مقررات اتحادیه اروپا نباشد، قرارهای منع دعوی تعارضی با نظم عمومی فرانسه ندارند (Ibid: 524).

اخیراً در خصوص دعوای راجع به نقض حق اختراع، بین شرکت‌های مختلف از گروه‌های تجاری لنوو و موتورولای آمریکا از یکسو و شرکت آلمانی آی پی کام دعوای متعددی اقامه شد.^۱ در سپتامبر ۲۰۱۹ لنوو و موتورولا با اقامه دعوی در دادگاه کالیفرنیا درخواست نمودند تا علیه شرکت آلمانی، قرار منع دعوی صادر کند. در اکتبر ۲۰۱۹، شرکت آلمانی دعوایی در پاریس علیه لنوو و موتورولا اقامه نمود. در ۸ نوامبر ۲۰۱۹، دادگاه بدوی پاریس دو «قرار منع قرار منع دعوا»^۲ صادر نمود. دادگاه فرانسوی، در اولین قرار، به لنوو و موتورولا دستور داد که درخواست‌شان برای صدور قرار منع دعوی از دادگاه کالیفرنیا را مسترد نمایند؛ اما دومین قرار، قرار منع قرار منع دعوای احتمالی (مربوط به آینده) بود که به واسطه آن دادگاه پاریس، موتورولا و لنوو را از هرگونه درخواست صدور قرار منع دعوی نزد هر دادگاه خارجی منع نمود. دادگاه پاریس جریمه‌ای دویست هزار یورویی برای هرروز عدم متابعت از قرار اول یا برای هر اقدام نقض‌کننده قرار دوم پیش‌بینی نمود. از این رأی در دادگاه تجدیدنظر پاریس تجدیدنظرخواهی شد. در رأی صادره در سوم مارس ۲۰۲۰، دادگاه تجدیدنظر پاریس قرار اول را تأیید نمود، اما قرار دوم را تأیید نکرد. دادگاه در توجیه عدم تأیید قرار دوم، بیان داشت که قرار دوم فاقد قلمروی زمانی یا سرزمینی و بسیار وسیع بوده و همچنین قرار مزبور شرایط صدور دستور موقت را

۱. *Lenovo and Motorola v IPCom*, 3 March 2020, the International Chamber of the Paris Court of Appeal.

۲. Anti-anti-suit injunction

نیز نداشته است؛ زیرا هدف از آن نه جلوگیری از ورود ضرر واقعی و نه ضرر محتمل‌الوقوع بوده است. (Cuniberti, 2020).

روشن است که در رأی اخیر، دادگاه تجدیدنظر بر این مسئله متمرکز گردید که آیا الزامات کلی برای صدور اقدامات موقت محقق است یا خیر؟ دادگاه‌های فرانسه طبق ماده ۸۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی، این صلاحیت عمومی را دارند که به‌منظور جلوگیری از ضرری که آشکارا غیرقانونی است؛ دستور موقت صادر کنند. در این اختلاف، دادگاه تجدیدنظر پاریس به این نتیجه رسید که ضرر این است که دادگاه آمریکایی شرکت آلمانی را از اقامه دعوی به دلیل نقض حق اختراع در فرانسه منع نماید. چنین ضرری به نحو واضحی غیرقانونی است. زیرا اولاً، صلاحیت انحصاری دادگاه‌های فرانسه برای رسیدگی به اختلاف را نقض می‌کند؛ ثانیاً، ناقض دو حق اساسی شرکت آلمانی است: حق شرکت آلمانی در خصوص مالکیت فکری (مطابق پروتکل ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) و حق بهره‌مندی از رسیدگی منصفانه (مطابق ماده ۶ از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) (Ibid). بنابراین در مواردی که دادگاه‌های فرانسه صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف داشته باشند و دعاوی موازی در فرانسه و دادگاه کشوری دیگر اقامه شود، دادگاه‌های فرانسه نه‌تنها قرار منع دعوی صادره از دادگاه خارجی را اجرا نمی‌کنند، بلکه برای دفاع از صلاحیت خود قرار منع قرار منع دعوی، صادر کرده‌اند. به نظر می‌رسد رواج صدور قرار منع دعوی توسط دادگاه‌های کشورهای کامن‌لوی باعث شده که دادگاه‌های فرانسه واکنش نشان دهند و در راستای مقابله با صدور قرار منع دعوی، قرار منع قرار منع دعوی صادر نمایند.

قرار منع قرار منع دعوی، زمانی صادر می‌شود که طرف دعوی اقامه‌شده در دادگاه یک کشور، متوجه شود که طرف مقابل می‌خواهد از دادگاه کشور دیگری قرار منع دعوی درخواست کند و او را از ادامه دعوی یا پیگیری آن منع کند؛ لذا از دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا می‌خواهد که با صدور قرار منع قرار منع دعوا، مانع دادگاه کشور دیگر از صدور قرار منع دعوا شود. همچنین ممکن است قرار منع قرار منع دعوی، برای جلوگیری از اجرای قرار منع دعوی صادره از کشور دیگر صادر شود.



بنابراین قرار منع قرار منع دعوی، ممکن است قبل از صدور قرار منع دعوی از دادگاه کشور دیگر و برای جلوگیری از صدور آن؛ یا بعد از صدور قرار منع دعوی و برای جلوگیری از اجرای آن صادر شود.

درهرحال، همان‌طور که برخی حقوقدانان معتقدند صدور قرار منع قرار منع دعوی نشان می‌دهد که در دیدگاه سنتی اروپایی، مبنی بر انزجار از فرا سرزمینی بودن آرا و دخالت در رسیدگی‌های قضایی خارجی، تغییراتی در حال وقوع است. امروزه دادگاه‌های فرانسه از همان اسلحه همتایان خود استفاده می‌کنند. این دگرگونی را می‌توان در قالب عبارت قدیمی «چشم در برابر چشم»^۱ بیان کرد. برنده جنگ قرارهای منع دعوی، کشوری است که بیشترین دارایی مخاطب قرار منع، در آن کشور وجود دارد.

هدف دادگاه از صدور قرار منع قرار منع دعوی، دفاع از صلاحیت خود است که امری قابل درک می‌باشد؛ اما چه چیزی دادگاه صادرکننده قرار منع دعوی را از صدور «قرار منع قرار منع قرار منع دعوی»^۲ باز می‌دارد؟ شاید در آینده‌ای نزدیک چنین قراری هم صادر شود و زنجیره صدور چنین قرارهایی ادامه یابد. در این صورت عدالت مدنی به بازی قدرت تبدیل می‌شود. گرچه زمان مدیدی است که حقوق بین‌الملل عمومی، قواعد دیپلماسی مبتنی بر احترام را تجسم بخشیده، اما به نظر می‌رسد ما به وضعیت جنگل^۳ برگشته‌ایم (Lehmann, 2020). قرار منع قرار منع دعوی، همانند قرار منع دعوی و به همان اندازه، از حیث دخالت در حاکمیت قضایی یک کشور، نامطلوب است. اما همان‌طور که گفته می‌شود «الماس، الماس را برش می‌دهد»^۴، قرار منع قرار منع دعوی، علیه بی‌عدالتی عمل می‌کند. این نوع قرار، موازنه‌ای را که با صدور قرار منع دعوا به خطر افتاده، مجدداً به حالت اول بازمی‌گرداند و وضعیت موجود را تا زمانی که درباره موضوع اختلاف تصمیم‌گیری

۱. An eye for an eye

۲. Anti-anti-anti-suit injunction

۳. The state of nature

۴. Diamond cuts diamond

شود، حفظ می‌کند (Shrivastava, 2021). به عبارت دیگر، هدف قرار منع قرار منع دعوی این است که طرف اختلاف را از درخواست صدور قرار منع دعوی، از دادگاه خارجی و یا پیگیری چنین درخواستی منع نماید؛ تا دادگاه صادرکننده قرار منع قرار منع دعوی به رسیدگی ادامه دهد و رأی صادر کند.

۴. اجرای قرار منع دعوی در حقوق ایران

در حقوق ایران قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نشده است. ازاین‌رو، دادگاه‌های ایران برای احراز صلاحیت خود در رسیدگی به دعاوی بین‌المللی، به قواعد صلاحیت محلی (نسبی) که در رسیدگی به دعاوی داخلی اعمال می‌شوند، مراجعه می‌کنند.^۱ رویکرد حقوق ایران درباره اجرای قرار منع دعوی صادره از دادگاه خارجی، مشخص نیست. ازاین‌رو، سؤال این است که در فرض اقامه دعوی موازی در یک دادگاه ایرانی و خارجی و صدور قرار منع دعوی توسط دادگاه خارجی علیه خواهان دعوی اقامه‌شده در ایران، آیا دادگاه ایران چنین قراری را اجرا خواهد کرد و در نتیجه رسیدگی را به نفع دادگاه خارجی صادرکننده قرار، متوقف یا کلاً دعوا را رد خواهد نمود؟

در پاسخ می‌توان گفت هدف قرار منع دعوی جلوگیری از دادرسی هم‌زمان دادگاه ایرانی و دادگاه خارجی صادرکننده قرار است. این هدف در فرضی محقق می‌شود که دادگاه ایرانی از صلاحیت رسیدگی به دعوا به نفع دادگاه خارجی صادرکننده قرار عدول نماید. حال آنکه به نظر می‌رسد ماده ۹۷۱ قانون مدنی مانعی برای اجرای چنین قراری است؛ زیرا این ماده به‌عنوان یک اصل کلی مقرر می‌دارد مادام که دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد، به هیچ دلیلی حتی در صورت سبق رسیدگی به دعوا توسط دادگاه خارجی، نباید از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی عدول کند. ازاین‌رو، نه‌تنها در حقوق ایران مجوزی برای اجرای چنین قراری وجود ندارد بلکه ماده ۹۷۱ دلیلی بر رد درخواست اجرای قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به شمار می‌آید. علاوه بر ماده فوق که مانعی روشن بر اجرای چنین قراری محسوب می‌شود،

۱. ماده ۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹



قرار منع دعوی، صرفاً یک قرار است و حکم مدنی به مفهوم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، محسوب نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان اجرای آن را با اعمال ماده ۱۶۹ قانون مذکور سنجید.

باین‌حال، سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است آیا حکم ماده ۹۷۱ قانون مدنی مطلق است؟ به عبارت دیگر، آیا در تمام موارد دادگاه‌های ایران، موظف‌اند حکم مطلق ماده مذکور را اعمال کنند و در تمام موارد به رسیدگی خود ادامه دهند و به دعوی موازی در دادگاه خارجی توجهی ننمایند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است. زیرا طبق بند شش ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی یکی از شرایط اجرای آرای خارجی این است که دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف نداشته باشند. بنابراین، اگر دادگاه ایرانی صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوا نداشته باشد، رأی صادره از دادگاه خارجی در آن دعوا با تحقق دیگر شرایط مندرج در این ماده در ایران قابل‌شناسایی و اجرا خواهد بود. به نظر می‌رسد ماده ۹۷۱ قانون مدنی، در کنار بند شش ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ما را به این نتیجه می‌رساند که جز در صورتی که دادگاه ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوا داشته باشد (مثلاً در دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول واقع در ایران)،^۱ عدول دادگاه ایرانی از صلاحیت رسیدگی به دعوا، به نفع دادگاه خارجی، امکان‌پذیر است.^۲ برای تأیید این دیدگاه می‌توان گفت علی‌رغم وجود ماده ۹۷۱ قانون مدنی، دادگاه‌های ایران در آرای متعددی به‌رغم داشتن صلاحیت رسیدگی به اختلاف، با استناد به «اصل حاکمیت اراده»^۳ و وجود توافق میان طرفین دعوا، بر رسیدگی دادگاه خارجی و عدم تعارض چنین توافقی با نظم عمومی ایران (فقدان صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به موضوع اختلاف)، از صلاحیت خود به نفع دادگاه

۱. بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی

۲. درباره تقیید اطلاق ماده ۹۷۱ قانون مدنی به‌خصوص بند شش ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ر.ک: انصاری، کابری، ۱۳۹۸: ۳۱۷-۳۱۸؛ کابری، انصاری، ۱۳۹۹: ۳۵۹-۳۶۰. برخی حقوقدانان معتقدند ماده ۹۷۱ قانون مدنی فقط در مواردی اعمال می‌شود که دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف دارند اما در موارد دیگر دادگاه‌های ایران می‌توانند ایراد امر مطروحه را بشنوند؛ ر.ک: غمامی، محسنی، ۱۳۸۶: ۱۷۲.

۳. ماده ۱۰ قانون مدنی

خارجی منتخب طرفین، عدول کرده‌اند.^۱ از این رو، می‌توان گفت در حقوق ایران مسئله عدول دادگاه ایرانی از صلاحیت خود، به نفع دادگاه خارجی، با مشکل چندانی روبه‌رو نیست؛ مگر اینکه صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف داشته باشد. با این حال ممکن است این ادعا نیز مطرح شود که اجرای چنین قراری ناقض حاکمیت ایران است. زیرا در این صورت دادگاه ایران دستور یک دادگاه خارجی را اجرا می‌کند و به‌رغم داشتن صلاحیت رسیدگی به دعوا، از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی عدول می‌کند. در پاسخ می‌توان گفت برخلاف این ادعا، اجرای قرارهای منع دعوی در ایران می‌تواند از حاکمیت کشور ایران دفاع کند.

برای مثال، ممکن است دعاوی موازی در یک دادگاه ایرانی و یک دادگاه انگلیسی اقامه شود. با صدور قرار منع دعوی توسط دادگاه انگلیسی، برای منع خواهان دعوی ایران از پیگیری آن و با درخواست اجرای این قرار توسط ذینفع (خواهان دعوی انگلستان)، این امر ممکن است دادگاه ایران را متوجه نماید که مثلاً ۱. دعوی اقامه‌شده در دادگاه ایرانی تنها با هدف ایزای خواهان دعوی اقامه‌شده در انگلستان بوده تا دعوی او کارایی خود را از دست بدهد و حکم نهایی صادره در این دعوی نتواند در ایران شناسایی و اجرا شود؛ یا ۲. قبلاً طرفین بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های انگلستان برای رسیدگی به اختلاف توافق نموده‌اند اما یکی از طرفین (خواهان دعوی اقامه‌شده در ایران) در راستای منافع خود، توافق را نقض و دعوا را در ایران -به‌جای دادگاه منتخب انگلستان- اقامه کرده است؛ یا ۳. دادگاه انگلستان

۱. برای نمونه ر. ک: ۱. تصمیم نهایی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۷۶۵ مطالعه متن این رأی ر. ک: پیری، ۱۳۹۵: ۳۸-۴۹. ۲. دادنامه شماره ۹۱۰۱۱۸۹ مورخه ۹۱/۱۱/۸ صادره از شعبه ۲۷ محاکم عمومی حقوقی تهران و دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۲۴۸ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ صادره از شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران. برای مطالعه متن این رأی ر. ک:

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4390>

برای مطالعه درباره این رأی ر. ک: ۱. مقصودی، ۱۳۹۴: ۷۲-۵۹؛

2. Ubetazzi, Iravani, 2020: 161.

۳. دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۶۳۹۰۰۳۳۷ مورخ ۱۳۹۸/۳/۷ صادره از شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتاح تهران. برای مطالعه خلاصه این رأی مورخ ۱۳۹۴/۹/۲ شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران. برای

ر. ک: کابری، انصاری، ۱۴۰۰: ۱۴۲-۱۴۳.



صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به موضوع دعوی اقامه شده در ایران، دارد و در نتیجه رسیدگی دادگاه ایرانی به این دعوی، تجاوز به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های انگلستان است و درهرحال رأی صادره از دادگاه ایرانی در دادگاه خارجی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود و تنها وقت دادگاه ایرانی را به هدر می‌دهد.

آیا نمی‌توان گفت در این موارد اگر دادگاه ایران، قرار منع دعوی صادره از دادگاه خارجی را اجرا کند و در نتیجه از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی عدول کند، از حاکمیت ایران، حمایت نموده است؟ در این موارد دادگاه ایران یا با خواهانی که دعوی خود را با سوءنیت در ایران اقامه نموده و قصد دارد از صلاحیت دادگاه‌های ایرانی برای تحقق منافع شخصی خود سوءاستفاده نماید، مقابله می‌کند یا اینکه به صلاحیت انحصاری دادگاه خارجی صادرکننده قرار منع، احترام گذاشته است که این اقدام شایسته و حتی ضروری به نظر می‌رسد.

به قرار منع دعوی از منظر همکاری قضایی بین‌المللی نیز باید نگریست. مخاطب این قرار، طرف دعوی در دادگاه ایران و نه خود دادگاه ایران است. همچنین دعوی موضوع اختلاف یک دعوی خصوصی است. عدول دادگاه ایران از صلاحیت خود در رسیدگی به یک دعوی کاملاً خصوصی، چه آسیبی به حاکمیت کشور ایران می‌زند؟ ایران عضو جامعه بین‌المللی است و ضرورت دارد تا حد ممکن همکاری قضایی بین‌المللی داشته باشد و در جلوگیری از تقلب نسبت به صلاحیت بین‌المللی، مشارکت کند. در غیر این صورت دچار نوعی انزوا شده و کشوری محترک صلاحیت بین‌المللی محسوب خواهد شد. توجه به قرار منع دعوی از دریچه همکاری‌های قضایی بین‌المللی این مزیت را دارد که باعث می‌شود قرار منع دعوی صادره از دادگاه خارجی به منزله هشدار به دادگاه ایران - و نه تهدید و تجاوز یک دادگاه خارجی - باشد. مفاد این هشدار این است که رسیدگی دادگاه ایرانی به این دعوی، بیهوده است و با رسیدگی به این اختلاف، وقت و منابع مالی خود را هدر می‌دهد. این اخطار از این جهت اهمیت دارد که در دعاوی بین‌المللی همواره دادگاه صادرکننده رأی، با دادگاه محل شناسایی و اجرای رأی، یکسان نیست. رسیدگی به دعوی در یک کشور و صدور رأی اهمیت چندانی ندارد مگر اینکه رأی صادره در کشور موردنظر شناسایی

و اجرا شود. حال در فرض اقامه دعاوی موازی در ایران و انگلستان، چنانچه قرار منع دعوی از کشور انگلستان، علیه خواهان دعوا در دادگاه ایران، صادر شود؛ در این صورت، رأی نهایی دادگاه ایرانی، حداقل در انگلستان نمی‌تواند اجرا شود. زیرا دادگاه انگلستان چنین استنباط نموده که اقامه دعوا در ایران ظالمانه و آزاردهنده است یا با نقض توافق بر صلاحیت دادگاه‌های انگلستان صورت گرفته است یا اینکه دادگاه انگلستان، صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف دارد. حال اگر موضوع دعوا به‌گونه‌ای باشد که انگلستان محل اجرای رأی باشد، منطقی به نظر نمی‌رسد که دادگاه ایرانی علی‌رغم صدور قرار منع دعوی توسط انگلستان، به دعوی رسیدگی کند؛ زیرا رأیی که صادر خواهد کرد، قابل‌شناسایی و اجرا نخواهد بود.

با توجه به فقدان مانع قانونی در خصوص عدول دادگاه ایران از صلاحیت خود جز در فرض دارا بودن صلاحیت انحصاری و همچنین با توجه به مزایای اجرای قرار منع دعوی، به نظر می‌رسد دادگاه‌های ایران باید بتوانند قرار منع دعوا صادره از یک دادگاه خارجی را اجرا کنند و از صلاحیت خود به نفع دادگاه مذکور عدول نمایند. با این حال، باید اذعان کرد که قرار منع دعوی مشمول حکم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی - که ویژه احکام مدنی است - نمی‌باشد. به این ترتیب چنین قراری یک نهاد بیگانه در حقوق ایران محسوب می‌شود و راهکاری برای اجرای آن ارائه نشده است.

۵. نتیجه‌گیری

قرار منع دعوی در صورت بروز دادرسی موازی و در صورت تحقق شرایطی خاص و با سختگیری و احتیاط صادر می‌شود. از این رو دادگاه‌های کشورهای مختلف در سراسر دنیا در معرض درخواست اجرای چنین قراری هستند. در هر حال صرف صدور چنین قراری، مانع دادرسی موازی نمی‌شود؛ زیرا چه بسا مخاطب قرار از مفاد آن تبعیت ننماید. از این رو اجرای قرار منع دعوا توسط دادگاهی که مخاطب قرار در آن دادگاه اقامه دعوا نموده است، اهمیت اساسی دارد و منجر به قطع جریان دادرسی موازی می‌شود.



مزایای این قرار سبب شده تا برخی کشورهای رومی ژرمنی که در ابتدا با اجرای این قرار مخالفت می‌کردند، در سالیان اخیر در اجرای قرار صادره از دادگاه‌های کشورهای کامن‌لویی انعطاف‌پذیری از خود نشان دهند. از جمله، امروزه دادگاه‌های فرانسه در صورتی که صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوا نداشته باشند و طرفین دعوا سابقاً توافق بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور دیگری نموده باشند، قرار منع دعوای صادره از دادگاه منتخب را قابل اجرا می‌دانند و از رسیدگی به اختلاف، به نفع دادگاه صادرکننده قرار، عدول می‌کنند. در حقوق ایران، ماده ۹۷۱ قانون مدنی در کنار بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، نشان می‌دهند که عدول دادگاه‌های ایران از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی امکان‌پذیر است؛ مگر اینکه دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلاف داشته باشند. لذا ماده ۹۷۱ قانون مدنی مانعی برای اجرای قرار منع دعوی و عدول دادگاه ایران از صلاحیت خود به نفع دادگاه صادرکننده قرار نیست. در هر حال، قرار منع دعوی صرفاً یک قرار است و راهکاری برای اجرای آن در حقوق ایران وجود ندارد. زیرا حکم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مختص احکام مدنی است و قرار منع دعوی مشمول آن نیست.

بنابراین، در حال حاضر قرار منع دعوی در ایران قابل اجرا نیست؛ هرچند به نظر می‌رسد با توجه به مزایای اجرای این قرار، فقدان ماده قانونی خاصی که اجرای چنین قراری را تجویز کند، نباید مانع از اجرای قرار منع دعوی گردد. زیرا همواره موضوعاتی هستند که قانون‌گذار نتوانسته همپای تحولات در عرصه جهانی و ملی، در خصوص آن‌ها قانون‌گذاری نماید. در این‌گونه موارد به‌ویژه در حوزه حقوق خصوصی دادگاه‌ها منشأ تحولات بوده و خلأهای قانونی را تا حد ممکن پر می‌کنند. بنابراین، نباید صرف عدم وجود راهکار برای اجرای قرار منع دعوی را دلیلی بر عدم امکان اجرای آن دانست. مادام که مانع صریحی برای عدول دادگاه ایران از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی وجود ندارد، دادگاه‌های ایران باید در خصوص اجرای این قرار، ابتکار عمل را به دست گیرند.

اجرای این قرار یعنی این‌که دادگاه ایران دعوای خواهان مخاطب قرار منع را رد نماید. از این‌رو، اجرای این قرار را می‌توان نوعی ایراد خوانده به صلاحیت دادگاه ایرانی مثلاً به دلیل توافق قبلی طرفین بر صلاحیت دادگاه خارجی دانست. آیا دادگاه ایرانی، ایراد خوانده به صلاحیت خود به دلیل وجود توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی را نمی‌پذیرد؟ همان‌گونه که بیان شد دادگاه‌های ایران در دعوای متعددی بنا به درخواست خوانده از صلاحیت خود به نفع دادگاه‌های خارجی منتخب عدول کرده‌اند؛ پس چرا اگر اعتراض خوانده همراه با قرار منع دعوی باشد باید به بهانه عدم وجود ماده قانونی خاصی برای اجرای قرار، آن اعتراض را نادیده گرفت؟ به نظر می‌رسد پذیرش اجرای قرار منع دعوی، با پذیرش اعتراض خوانده به صلاحیت دادگاه ایران تفاوتی ندارد و نتیجه هر دو، عدول دادگاه ایران از صلاحیت خود به نفع یک دادگاه خارجی است و بیش از این نیست.

به این ترتیب، دادگاه‌های ایران باید مجاز باشند تا در مواردی اجرای قرار مزبور را بپذیرند و نقشی، ولو جزئی، در مقابله با دادرسی موازی در جهان ایفا کنند. دادگاه‌های ایران با توجه به منافع طرفین و لحاظ موضوعات مختلف از جمله آینده رأی صادره و کشور احتمالی محل شناسایی و اجرای رأی، باید این قدرت صلاحیدی را داشته باشند تا چنین قرارهایی را اجرا نمایند و از صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی صادرکننده قرار، عدول کنند.

۶. منابع

۶-۱. منابع فارسی

الف) کتب

۱. پیری، فرهاد. (۱۳۹۵). *حقوق تجارت بین‌الملل در رویه قضایی ایران*، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
۲. غمامی، مجید و محسنی، حسن. (۱۳۸۶). *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران، میزان.



ب) مقالات

۳. انصاری، اعظم و محمد مجد کابری، (۱۳۹۸)، «ایراد امر مطروحه در دعاوی خصوصی بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۳۱۷-۳۱۸.
۴. سربازیان، مجید و سید رضا هاشمی و مذکور صالحی، (۱۳۹۸)، «آثار صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۴۰۴-۴۰۷.
۵. کابری، محمد مجد، انصاری، اعظم (۱۳۹۹)، «امکان‌سنجی توافق بر سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه در حقوق ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۶۳، صص ۳۵۹-۳۶۰.
۶. کابری، محمد مجد، انصاری، اعظم (۱۴۰۰)، «آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵»، *مجله حقوق تطبیقی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۴۲-۱۴۳.
۷. مقصودی، رضا (۱۳۹۴)، «توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی»، *فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی*، شماره ۱۱.

ج) آراء قضایی

۸. دادنامه شماره (۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۷۶۵) به تاریخ (۱۳۹۴/۹/۲)، صادره از (شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران).
۹. دادنامه شماره (۹۱۰۱۱۸۹) به تاریخ (۱۳۹۱/۱۱/۸) صادره از (شعبه ۲۷ محاکم عمومی حقوقی تهران) و دادنامه شماره (۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۲۴۸) به تاریخ (۱۳۹۲/۲/۳۰)، صادره از (شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).
۱۰. دادنامه شماره (۹۸۰۹۹۷۲۱۶۳۹۰۰۳۳۷) به تاریخ (۱۳۹۸/۳/۷)، صادره از (شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتاح تهران).

۲-۶. منابع انگلیسی

A) Books

11. Briggs, Adrian (2015), *Civil Jurisdiction and Judgments*, New York, Routledge.
12. Dickinson, Andrew; Keyes, Mary; John, Thomas (2014), *Australian Private International Law for the 21ST Century*, USA, Hart Publishing.
13. Tang, Zheng Sophia (2014), *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*, (1st ed), New York, Routledge.

B) Articles

14. Ambrose, Clare (2003), "Can Anti-Suit Injunctions Survive European Community Law?", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 52, Issue 2, pp. 401-424.
15. Contreras, Jorge and Michael, Eixenberger (2017), "The Anti-Suit Injunction – a Transnational Remedy for Multi-Jurisdictional SEP Litigation" in *Cambridge Handbook of Technical Standardization Law - Patent, Antitrust and Competition Law*, University of Utah College of Law Research Paper No. 209, pp.1-9, available at: <https://dc.law.utah.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1039&context=scholarship>, last visited: 31 August 2022.
16. Cuniberti, Gilles (2020), "Paris Court Issues Anti Anti Suit Injunction", Available at: <https://eapil.org/2020/03/25/paris-court-issues-anti-anti-suit-injunction/>, last visited: 26 July 2022.
17. Dowers, Neil (2013), "The Anti-Suit Injunction and the EU: Legal Tradition and Europeanisation in International Private Law", *Cambridge Journal of International and Comparative Law*, Vol. 2, issue 4, pp. 960-973.
18. Fisher, Geoffrey (2010), "Anti-Suit Injunctions to Restrain Foreign Proceedings in Breach of an Arbitration Agreement", *Bond Law Review*, Vol.22, Issue 1, pp. 1-25.
19. George, James (2002), "International Parallel Litigation - A Survey of Current Conventions and Model Laws", *Texas International Law Journal*, Vol. 37, pp. 499-540.



20. Kruger, Thalia (2004), "The Anti-Suit Injunction in European Judicial Space: *Turner v Grovit*", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 53, Issue 4, pp. 1030-1040.
21. Lehmann, Matthias (2020), "Anti-Anti-Suit Injunctions by German Courts – What Goes Around, Comes Around", Available at: <https://eapil.org/2020/03/30/anti-anti-suit-injunctions-by-german-courts-what-goes-around-comes-around/comment-page-1/> last visited: 26 July 2022.
22. Ojiegbe, Chukwudi Paschal (2015), "From West Tankers to Gazprom: anti-suit injunctions, arbitral anti-suit orders and the Brussels I Recast", *Journal of Private International Law*, Vol. 11, No. 2, pp. 267–294.
23. Saussine, Louis Perreau (2010), "Forum Conveniens and Anti-Suit Injunctions before French Courts: Recent Developments", *International and Comparative Law Quarterly*, Volume 59, Issue 2, pp. 519 – 525.
24. Shrivastava, Surbhit (2021), "Anti-anti-suit injunctions: Remedy against a remedy", Available at: <https://www.theippress.com/2021/02/15/anti-anti-suit-injunctions-remedy-against-a-remedy/> last visited: 27 July 2022.
25. Stacher, Marco (2005), "International Antisuit Injunctions: Enjoining Foreign Litigations and Arbitrations - Beholding the System from Outside", Cornell Law School Graduate Student Papers. Paper 8, Available at: https://scholarship.law.cornell.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1023&context=lps_papers, last visited: 31 August 2022.
26. Ubertaini, Benedetta and Iravani, Fatemeh (2020), "Choice of Court Agreements in Intellectual Property: ILA Guidelines in the EU and Iran", *Max Planck Institute for Innovation and Competition*. vol. 51, p. 144-166.
27. Wilson, E. Maura (2003), "Let Go of that Case - British Anti-Suit Injunctions against Brussels Convention Members", *Cornell International Law Journal*, Vol. 36, Issue 1, pp. 207-226.

C) Cases

28. Lenovo and Motorola v IPrCom, 3 March 2020, the International Chamber of the Paris Court of Appeal.
29. Soc'y of Lloyd's v. Peter Everett White (No. 2) [2002] ILPr 11, 104. 30.
30. Stoltzenberg, Cass 1ere civ. 30 June 2004, Rev crit DIP (2004) 815, the Court of Cassation.
31. Turner v Grovit [2001] UKHL 65, [2002] 1 WLR 107, Lord Hobhouse.
32. Zone Brands International v In Zone Brands Europe, 14 October 2009, n 08-16369, the Court of Cassation.

The Enforcement of Anti-Suit Injunctions: A Comparative Study in the EU, French, and Iranian Law

Mohammed Mjed Kabry¹, Azam Ansari^{2*}, Abdullah Khodabakhshi³, Reza Maboudi Neishabouri⁴

1. Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law & Political Science of Ferdowsi University, Mashhad, Iran
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
4. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Receive: 05/09/2022

Accept: 08/11/2022

Abstract

One way of dealing with parallel litigation for the courts of common law countries is to issue an anti-suit injunction preventing one of the disputing parties from initiating or continuing proceedings in the courts of another country. Civil law countries believe that this remedy interferes with the proceedings in their courts and violates their national sovereignty. This study aims to examine the attitude of the EU, French, and Iranian law towards the enforcement of anti-suit injunctions. The study contends that in the EU, an anti-suit injunction rendered by a third country is enforceable in an EU member state as long as it accepts the enforcement of such an injunction under its national law and its jurisdiction is not based on EU regulations. In French law, anti-suit injunctions are traditionally unenforceable. However, when parties agree to grant jurisdiction to a foreign court, the French courts enforce such injunctions and dismiss the proceedings in favor of the foreign-selected court. On the other hand, when the French courts assert exclusive jurisdiction to decide the dispute, they may react to an anti-suit injunction by issuing an anti-anti-suit injunction. In Iranian law, an anti-suit injunction cannot be enforced under Article 169 of the Enforcement of Civil Judgments

* Corresponding Author, Email: aansari@um.ac.ir

Code. As a result, there is no mechanism for the enforcement of anti-suit injunctions in Iran. However, due to the advantages of enforcing anti-suit injunctions, the study contends that the lack of a mechanism should not be an obstacle to the enforcement of anti-suit injunctions in Iran.

Keywords: parallel litigation, exclusive jurisdiction clause, exclusive jurisdiction, anti-anti-suit injunction, civil law countries.